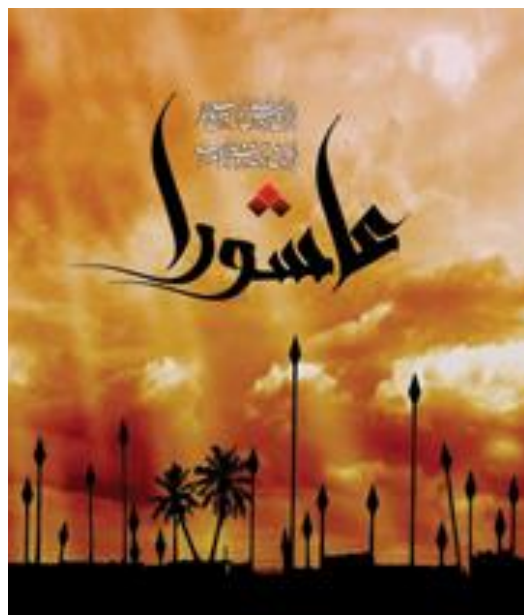


سال قمری، دوازده ماه دارد و برای هر ماهی یک نام گذاشته شده است. اولین ماه، ماه محرم است و چون در این ماه، مبارزه امام حسین علیه السلام با دشمنان خدا انجام شد و باعث شهادت این امام بزرگ و تعداد زیادی از فرزندان، بستگان و دوستان امام شده، مردم ما، هر ساله این ماه را به عزاداری و یادآوری خاطره آن زمان می پردازند و با این کار، هم یاد و نام امام حسین علیه السلام را زنده می کنند و هم به تمام مسلمانان درس های بزرگی را که امام حسین علیه السلام در کربلا داده بود، یادآوری می کنند.

آیا می دانید کربلا کجاست؟ کربلا، اکنون نام شهری در کشور عراق است. در زمان های گذشته، تعداد زیادی از مردم کوفه، یکی دیگر از شهرهای عراق، برای امام حسین علیه السلام که در شهر مدینه بود، نامه نوشتند و از ایشان تقاضا کردند که رهبر آنها بشود .

امام حسین علیه السلام برای مبارزه با یزید، حاکم بد آن زمان، تصمیم گرفت تا به کوفه مسافرت کند . در راه سفر به کوفه، دشمنان در بیابانی به نام "کربلا"، جلو حرکت کاروان امام حسین علیه السلام را گرفتند و گذاشتند امام به حرکت خود ادامه دهد و چون امام حسین علیه السلام حاضر به همکاری با یزید نبود، با ایشان جنگیدند و ایشان را شهید کردند .

از آن به بعد، سرزمین کربلا، با این خاطره تلخ همراه شد و مردم با شنیدن نام این شهر، یاد رنج ها و مصیبت های امام حسین علیه السلام می افتند و اشک می ریزند.



روز عاشورا، از پرآوازه ترین روزهای سال و خاطره آمیزترین تاریخ های بشری است. در این روز بزرگ، پای مردی، فداکاری و سربلندی گروه اندکی از انسان های به خدا پیوسته در برابر ده ها هزار مردان جنگی و جنایت پیشه به نمایش درآمد. این روز، روز فداکاری امام حسین(ع) و یاران باوفای وی می باشد و تا ابد به آنان تعلق خواهد داشت. در این روز، حوادث و رویدادهای مهمی در سرزمین کربلا به وقوع پیوست که برای همیشه در تاریخ انسان ها ثبت و درج خواهد ماند.

در این جا به طور گذرا به اهم رویدادهای روز عاشورا می پردازیم

۱. تنظیم سپاه

امام حسین(ع) پس از نماز صبح، سپاه خویش را که متشکل از ۳۲ تن سواره و ۴۰ تن پیاده بودند، به سه دسته تقسیم کردند. دسته اول را در بخش میمنه (سمت راست)، دسته دوم را در بخش میسره (سمت چپ) و دسته ای را میان آن دو قرار داد. فرماندهی بخش میمنه را به «زهیر بن قین» و فرماندهی بخش میسره را به «حبيب بن مطاره» واگذار کردند و خود در وسط دو سپاه مستقر شدند و بیرق سپاه را به برادرشان عباس بن علی(ع) معروف به قمر بنی هاشم سپردند و خیمه ها را در پشت سر قرار دادند. عمر بن سعد نیز سپاهیان جنایت پیشه خود را به چند گروه تقسیم کرد. وی فرماندهی بخش میمنه را به عمرو بن حجاج، فرماندهی بخش میسره را به شمر بن ذی الجوشن، فرماندهی سواره نظام را به عروه بن قیس و فرماندهی پیاده نظام را به شبت بن ربیع واگذار کرد. وی، بیرق ننگین سپاه خود را به غلامش «درید» سپرد. دو سپاه در برابر یک دیگر صف آرایی کرده و برای آغاز نبرد سرنوشت ساز، لحظه شماری می کردند.

۲. اندرزه های پیش از نبرد

امام حسین(ع) برای پیشگیری از نبرد و خون ریزی نیروهای دو طرف، تلاش زیادی به عمل آورد و از هر راه ممکن می خواست از کشتار مسلمانان جلوگیری نماید و خون کسی بر زمین نریزد. ولی دشمن که مغرور از کثرت (تعداد زیاد) سپاه خود و قلت (کمی) یاران امام(ع) بود، به هیچ صراطی مستقیم نبود و به هیچ پیشنهادی پاسخ مثبت و کار ساز نمی داد و خواهان تعیین تکلیف از راه نبرد و خون ریزی بود. امام حسین(ع) در روز عاشورا، برخی از یاران خود را به نزد سپاه دشمن فرستاد تا با آنان گفت و گو کرده و با بیان حقایق و واقعیت ها، آنان را از شرارت و جنایت منصرف کنند. ولی جز تعدادی اندک که از خواب غفلت بیدار شده و حقیقت را

دریافتند و به سپاه آن حضرت پیوستند، بقیه آنان در ضلالت و گمراهی خویش باقی مانده و بر آغاز جنگ اصرار می کردند.

پیوستن حر به سپاه امام حسین(ع) و سخنرانی وی برای سپاه عمر بن سعد در دفاع از امام حسین(ع)، برای عمر بن سعد و دیگر جنگ افروزان دشمن بسیار گران و نگران کننده بود

۳. پشیمانی حربن یزید

حر بن یزید تمیمی که از فرماندهان جنگاور و دلیر عمر بن سعد بود و در ابتدا، راه را بر امام حسین(ع) بست و او را به اجبار واکراه به کربلا رهسپار گردانید؛ وقتی بزرگواری امام حسین(ع) و حقیقت خواهی وی را ملاحظه کرد و از سوی دیگر شاهد نیت های پلید عمر بن سعد و لشکریان عبیدالله بن زیاد و جنایت ها و ستم کاری های آنان بود، از خواب غفلت و دنیا طلبی بیدار شد و در خود اساس نگرانی و ندامت نمود و در وی دگرگونی شگفتی به وجود آمد. به طوری که یکباره سپاه کفر پیشه عمر بن سعد را ترک و به سوی خیمه گاه امام حسین(ع) رهسپار شد. حر به نزد امام حسین(ع) رفت و از آن حضرت درخواست عفو و بخشش نمود و از کردار و رفتارهای پیشین خود اظهار پشیمانی کرد. امام حسین(ع) با مهربانی تمام حر بن یزید را پذیرفت و از وی استقبال کرد و با رفتار خود موجب تقویت ایمان حر گردید.

دشمنان که از ملحق شدن حر به امام حسین(ع) بسیار نگران و ملتهب شده بودند، وی را سنگباران و تیرباران کرده و از نزدیک شدنش به نیروهای خود، بازداشتند. حر به ناچار به سوی خیمه گاه امام حسین(ع) برگشت. پیوستن حر به سپاه امام حسین(ع) و سخنرانی وی برای سپاه عمر بن سعد در دفاع از امام حسین(ع)، برای عمر بن سعد و دیگر جنگ افروزان دشمن بسیار گران و نگران کننده بود و تأثیر زیادی در نیروهای دشمن به وجود آورد.



۴. هجوم سراسری

سپاه دشمن که از پیوستن حر و چند نفر دیگر به سپاه امام حسین(ع) احساس خطر و ریزش نیرو کرده و ادامه این وضعیت را به زیان خود می دید، فرمان حمله را صادر کرد. عمر بن سعد با رها کردن تیری به سوی سپاهیان امام حسین(ع)، جنگ را به طور رسمی آغاز و سپاهیان نگون بخت خود را به نبرد و تهاجم ترغیب و تشویق کرد.

در اندک مدتی دو سپاه به یکدیگر نزدیک شده و با ابزارهای جنگی آن روز به نبرد پرداختند. در این نبرد، شگفتی تاریخ به وقوع پیوست و معادلات نظامی درهم ریخت، و آن، دفاع یک سپاه کمتر از صد نفر که برخی از آنان را نوجوانان و یا کهن سالان و ساخوردگان تشکیل می دادند، در برابر یک سپاه چند ده هزار نفری بود. این سپاه اندک، با دلاوری و دلیری تمام از حیثیت و موجودیت خویش و اعتقادات و اصول مذهبی و سیاسی خود دفاع و پاسداری نموده و مغلوب دشمن نشدند.

هر یک از یاران امام حسین(ع) با ده ها تن از نیروهای دشمن به نبرد نابرابر و تن به تن پرداخت ولی هیچ گونه سستی و تردیدی در وی ملاحظه نمی شد و این روحیه بالای رزمی و اعتقادی برای دشمن، سنگین و کمر شکن بود.

تصور دشمن در آغاز بر این بود که سپاه کم عده امام حسین(ع) در لحظات نخستین هجوم سراسری، نابود شده و از هستی ساقط می شوند و غائله کربلا به راحتی پایان می پذیرد، ولی پس از درگیر شدن با آنان، تازه فهمیدند که با کوهی استوار از ایمان و عقیده روبرو شدند و از میان بردن آنان، کار آسانی نیست.

یاران امام حسین(ع) از بامداد تا عصر عاشورا نبرد را ادامه داده و تا آخرین قطره های خون خود از قیام امام حسین(ع) پاسداری کردند .

۵. نبرد انفرادی

دشمن که از نبرد سراسری و تهاجمی، نتیجه ای نگرفته بود، به تدریج به سوی نبرد انفرادی روی آورد. زیرا اگر چه سپاه عمر بن سعد همگی برای نبرد با امام حسین(ع) آمده بودند، ولی در میان مردان زیادی بودند که جنگ با فرزند زاده رسول خدا(ص) را روا نداشته و به اکراه و اجبار در سپاه عمر بن سعد قرار گرفته بودند .

بدین جهت در کار نبرد عمومی و هجوم سراسری تردید داشتند و عمر بن سعد را در رسیدن به مقاصد پلیدش ناکام گذاشته بودند.

گفتنی است که روی آوردن به نبرد انفرادی، برای سپاه کم تعداد امام حسین(ع) نیز خوش آیند و پسندیده تر بود. زیرا در این صورت هر یک از یاران امام(ع) می توانست با چندین نفر از سپاه بی انگیزه دشمن نبرد کند . همین امر باعث طولانی تر شدن مبارزات گردید.

یاران امام حسین(ع) یکی پس از دیگری با ایمان و اعتقاد، از آن حضرت اجازه رزم گرفته و وارد صحنه نبرد می شدند و سرانجام شرافتمندانه جام شهادت را سر می کشیدند . تعدادی از یاران امام(ع) تا پیش از ظهر عاشورا به همین نحو به شهادت رسیدند.

یاران آن حضرت دو دسته شده، دسته ای به نماز امام(ع) اقتدا کرده و دسته ای دیگر دفاع می نمودند

۶. نماز ظهر عاشورا

به هنگام ظهر، یکی از یاران امام(ع) به نام ابو ثمامه صیداوی، آن حضرت را متوجه وقت نماز ظهر کرد. امام حسین(ع) که به نماز اهمیت ویژه ای می داد، دستور داد که جنگ را متوقف کرده و همگی به نماز پردازند.

پیشنهاد امام حسین(ع) مورد موافقت دشمن قرار نگرفت و آنان هم چنان بر نبرد خود ادامه می دادند. امام حسین(ع) به ناچار، یکطرفه جنگ را متوقف کرد و با یاران اندک خود نماز ظهر را به صورت نماز خوف (نماز ویژه زمان جنگ) به جای آورد . یاران آن حضرت دو دسته شده، دسته ای به نماز امام(ع) اقتدا کرده و دسته ای دیگر دفاع می نمودند. اما دشمنان هیچ گونه ترحمی به امام(ع) و نمازگزاران نکرده و با رها کردن تیر، آنان را هدف قرار می دادند.

برخی از مدافعان امام حسین(ع)، دشمن را از اطراف نمازگزاران پراکنده کرده و برخی دیگر خود را سپر تیرها قرار داده و مانع رسیدن آنها به وجود مبارک امام حسین(ع) می شدند . سعید بن عبدالله حنفی، از جمله آنان بود که خود را سپر امام (ع) قرار داد. وی هر تیری که به جانب امام حسین(ع) می آمد، خود را سپر آن می کرد و آن قدر در این راه ایستادگی کرد تا نماز امام(ع) به پایان رسید . در آن هنگام به زمین افتاد و شهید شد. علاوه بر زخم شمشیر و نیزه، از بدن این شهید دلاور، تعداد سیزده چوبه تیر یافتند.

۷. شهادت سایر یاران

پس از نماز، یاران امام حسین(ع) روحیه رزمی تازه ای یافته و به سوی دشمن هجوم آوردند. تمام یاران امام(ع)، از جمله جوانان برومند بنی هاشم و فرزندان، برادران، برادرزادگان، خواهرزادگان و عموزادگان آن حضرت به جهاد و دفاع پرداخته و به شهادت رسیدند.

نبرد دلاور مردانی چون زهیر بن قین، نافع بن هلال، مسلم بن عوسجه، حبیب بن مظاهر، حر بن یزید و بریر بن خضیر از میان یاران امام حسین(ع) و شیر مردانی چون علی اکبر(ع)، عباس بن علی(ع)، قاسم بن حسن(ع) و عبدالله بن مسلم(ع) از جوانان بنی هاشم به یاد ماندنی و فراموش نشدنی است.

آن حضرت هنگامی که تنها شد و یک تنه با دشمن نبرد می کرد، به یاد یاران شهید خود افتاد و گاهی به سوی آنان نظری می کرد و آنان را به یاری می طلبید و می فرمود: ای عباس، ای علی اکبر، ای قاسم، ای زهیر، ای حر کجایی؟

هر گاه برای آن حضرت فرصتی به دست می آمد، به خیمه ها بر می گشت و با حضور خود، کودکان و زنان بی پناه را تسلی می داد و بار دیگر با آنان خداحافظی می کرد.

۸. مبارزه و شهادت امام حسین(ع)

امام حسین(ع) پس از آن که همه یاران خود را از دست داد، بانوان را در خیمه ای گرد آورد و آنان را تسلی و دلداری داد و به صبر و شکیبایی سفارش نمود و با قلبی شکسته از آنان خداحافظی کرد. آن حضرت، فرزندش امام زین العابدین(ع) را که در بیماری سختی به سر می برد، جانشین خویش قرار داد و با او نیز وداع کرد و آماده نبرد با دشمن گردید. امام حسین(ع) به تنهایی، ساعاتی چند با دشمن مبارزه کرد و به هر طرف حمله می کرد گروهی را به هلاکت می رسانید.

در یکی از خداحافظی ها، فرزند شیرخوار خود را جهت سیراب کردنش به سوی دشمن آورد و از آن ها تقاضای آب برای فرزند شیرخوار خود کرد، ولی سپاه سنگ دل عمر بن سعد به فرندش ماهه او رحم نکرد و با هدف تیر قرار دادنش، وی را در آغوش پدر غرقه به خون کرد.

امام حسین(ع) بدن غرقه به خون علی اصغر(ع) را به خیمه برگرداند و بار دیگر به مبارزه پرداخت. آن حضرت، زخم های فراوانی را در میدان مبارزه متحمل شد، تا آن که بر اثر کثرت جراحت به زمین افتاد. در آن حال نیز دشمنان رهایش نکرده و با ابزارهای گوناگون، از جمله تیر، نیزه، شمشیر و سنگ بر بدنش ضرباتی وارد آوردند.

سرانجام، آن حضرت، تاب و توان از کف داد و بر خاک گرم کربلا بر زمین افتاد و آماده مهمانی خدا گردید.

شمر بن ذی الجوشن، با قساوت تمام به سوی بدن خونین آن حضرت رفت و...

و این چنین واقعه عاشورا به وقوع پیوست.

